

لباس دوربین‌دار پلیس و کارکرد حقوقی آن در نظام عدالت کیفری

ایران

جواد صالحی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۵

چکیده

لباس دوربین‌دار، جلوه‌ای از تکنولوژی مدرن در خدمت پلیس در دادسرا است. استفاده از لباس دوربین‌دار در بهبود انجام وظایف قانونی پلیس در مواجهه با مظنون و متهم واجد کارکردهایی است که در نظام حقوق کیفری ایران مغفول باقی مانده است. از این حیث، بررسی کارکرد لباس دوربین‌دار پلیس در نظام عدالت کیفری ایران دارای اهمیت، اصالت و نوآوری است. پژوهش از نوع کاربردی و متکی بر منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی تحلیلی است. سوال پژوهش این است که تاثیر استفاده پلیس از لباس دوربین‌دار در نظام عدالت کیفری ایران چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که لباس دوربین‌دار پلیس منجر به تقویت روابط پلیس با مردم و تقویت ارزیابی مافوق از عملکرد پلیس در تحقیقات کیفری محوله به وی، نظارت جامع دادستان و بهبود تنظیم گزارش‌های قضایی پلیس در دادسرا می‌شود. استفاده پلیس از لباس دوربین‌دار نوعی مستند کردن عملکرد وی است. ارزیابی مستقیم مافوق بر عملکرد پلیس از طریق کنترل فیلم‌های ضبط شده از برخورد پلیس با مردم و تصمیم‌گیری دقیق بر اساس آنها صورت می‌گیرد. استفاده از لباس دوربین‌دار منتهی به دقت بیشتر ضابط دادگستری در تنظیم گزارش شود تا جایی که تطبیق گزارش با فیلم ضبط شده واجد تباین آشکار و فاحشی نباشد.

واژگان کلیدی: لباس دوربین‌دار، پلیس، گزارش‌های قضایی، مظنون، تحقیقات کیفری.



مقدمه

استفاده از لباس دوربین‌دار، یکی از تحولات جدید پلیس در بهبود عملکرد قانونی و از سازکارهای موثر در کاهش سوءاستفاده وی از قدرت است (Lawshe and et al., 2019: 78). بر این اساس لباس دوربین‌دار، یکی از بهترین ابزارهای در خدمت پلیس در مقام ضابط دادگستری برای انجام ماموریت‌های محوله از سوی نظام عدالت کیفری است. کما اینکه استفاده پلیس از این تکنولوژی و مقبولیت آن نزد مردم به اعتقاد برخی، مرهون مزایای آن است (Miethe and et al., 2019: 16). چراکه لباس دوربین‌دار، قابلیت ضبط صوت، فیلم و عکس لحظات مواجهه پلیس با مردم را در تمام لحظات دارد. از یک طرف، با استفاده از این تکنولوژی، دلایل بصری صحنه جرم و مصاحبه‌های پلیس با شهود و قربانیان جرم در صحنه جرم حاصل می‌شود. از طرف دیگر، استفاده از این لباس منجر به شفافیت عملکرد ضابط دادگستری، اعتماد مردم به پلیس و کاهش شکایات علیه پلیس راجع به تخلفات یا سوءاستفاده وی از قدرت در مواجهه با مردم در زمان انجام ماموریت‌های محوله می‌شود.

سابقه استفاده از لباس دوربین‌دار برای اولین بار به عملکرد پلیس ایالات متحده برمی‌گردد. اعتماد عمومی و حمایت مردمی از پلیس و عملکرد وی در ایالات متحده مفقود است. چراکه باور عمومی این است که افزایش نرخ جرم در ایالات متحده ناشی از ناکارآمدی پلیس و عملکرد وی در نتیجه عدم اعتماد به وی است. این وضعیت با افزایش نرخ جرم در ایالات متحده تشدید شده است. بحران مشروعیت پلیس در ایالات متحده در سال‌های اخیر مشهود است. افول مشروعیت پلیس ایالات متحده به خاطر شایع بودن تیراندازی پلیس ایالات متحده به شهروندان سیاه‌پوست و غیرمسلح است. از این‌رو استفاده از تکنولوژی لباس دوربین‌دار برای فائق آمدن به این وضعیت و جلوگیری از افزایش بحران مشروعیت پلیس ایالات متحده پیشنهاد شده است. کما اینکه مردم نیز تصور می‌کنند که پلیس ایالات متحده با استفاده از لباس دوربین‌دار درصدد است تا مشروعیت خود را بهبود ببخشد (Crow and et.al, 2017: 595). در این شرایط استفاده پلیس از لباس دوربین‌دار از سال ۲۰۱۵ به‌عنوان گزینه‌ای مطرح و اجرایی شده است که پلیس را نسبت به رفتار خویش متعهد می‌سازد و موجب مشروعیت جایگاه وی در ایالات متحده می‌شود.

در نتیجه پیشنهاد و اجرای استفاده از لباس دوربین‌دار، روابط پلیس با مردم بهبود یافته است، مردم با پلیس بیشتر همکاری می‌کنند و منافع مردم هم بیشتر تضمین می‌شود. پلیس، لباس دوربین‌دار را می‌پوشد. او در چنین شرایطی واقف به ضبط دقیق عملکرد خویش نسبت به مردم است. از این‌رو نسبت به رفتار خود مراقبت و از رفتارهای فراقانونی پرهیز می‌کند. کما اینکه نتایج تحقیقات صورت‌گرفته در سال‌های اخیر نیز



نشان می‌دهد که پلیس ایالات متحده با استفاده از لباس دوربین‌دار به خشونت کمتری علیه شهروندان متوسل می‌شود و شکایت کمتری علیه پلیس مطرح می‌شود (Jennings and et al., 2017: 1333). این وضعیت در ارتباط با پلیس قضایی در نظام حقوقی ایران نیز محتمل است. چراکه پلیس قضایی در ایران با پوشیدن لباس دوربین‌دار، تعقیب و گریز متهم، نحوه دستگیری و بازداشت وی تا زمان تحویل به مقام قضایی را مستند می‌کند، و مقاومت شهروندان در برابر پلیس قضایی و اقدامات وی را به تصویر می‌کشد تا از این طریق عملکرد خود را نسبت به وی توجیه کند.

بنابراین این وضعیت نسبت به پلیس و شرح وظایف وی در سرتاسر دنیا صادق است. هرچند که تجربه ایالات متحده و ابعاد حقوقی مزایای استفاده از لباس دوربین‌دار، نمونه‌ای است که نتایج آن پیش‌روی نظام حقوقی و عملکرد پلیس قضایی در تمام کشورها است. نظام حقوقی ایران از این وضعیت مستثنی نیست، در حالی که بررسی این موضوع بر اساس بایسته‌ها و قوانین پلیسی و کیفری ایران مفقود، ولی دارای اهمیت است. چنان‌که بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که استفاده پلیس راهنمایی و رانندگی ایران از لباس دوربین‌دار از ابتدای سال ۱۳۹۸ عملیاتی شده است. لیکن مزایای استفاده از لباس دوربین‌دار برای پلیس قضایی در کشف جرم و تعقیب مجرم بیش از پلیس راهنمایی و رانندگی است. در ادبیات حقوق کیفری ایران و تحقیقات پلیسی یا عملکرد پلیس قضایی تاکنون نوشته‌ای در ارتباط با استفاده پلیس از لباس دوربین‌دار به زبان فارسی تقریر و منتشر نیافته است. از این حیث نوشتار حاضر با بررسی کارکرد لباس دوربین‌دار پلیس قضایی در روابط با مردم، ارزیابی مافوق و نظارت دادستان و تنظیم گزارش‌های قضایی متمایز و واجد نوآوری و اصالت پژوهشی است.

عملکرد ضابط دادگستری در نظام عدالت کیفری ایران که از طریق دوربین لباس ضبط می‌شود، واجد کارکردهایی حقوقی است که بدون بهره‌گیری از این تکنولوژی سابقه ندارد. البته در این نوشتار تلاش می‌شود تا اثر استفاده پلیس قضایی از لباس دوربین‌دار در نظام حقوقی ایران مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرد. سوال اصلی پژوهش این است که تاثیر استفاده پلیس از لباس دوربین‌دار در نظام حقوقی ایران چیست؟ سوال‌های فرعی شامل ۳ مورد هستند. اول اینکه تاثیر لباس دوربین‌دار بر روابط پلیس با مردم و ارزیابی مافوق چیست؟ دوم اینکه تاثیر لباس دوربین‌دار در نظارت دادستان بر عملکرد پلیس چیست؟ و سوم اینکه تاثیر لباس دوربین‌دار بر بهبود تنظیم گزارش‌های پلیس قضایی چیست؟ بر این اساس و به منظور پاسخ به سوالات مطرح شده ضروری است که ابتدا تاثیر لباس دوربین‌دار بر روابط پلیس با مردم و ارزیابی مافوق، در



ادامه تاثیر لباس دوربین‌دار در نظارت دادستان بر عملکرد پلیس و سپس تاثیر لباس دوربین‌دار بر بهبود تنظیم گزارش‌های پلیس قضایی، در نهایت به نتیجه‌گیری و ارائه دست‌آوردهای این مطالعه پردازیم.

۱- تاثیر لباس دوربین‌دار بر روابط پلیس با مردم و ارزیابی مافوق

لباس دوربین‌دار محیطی را برای پلیس قضایی ایجاد می‌کند که در این محیط عملکرد وی شفاف و دقیق است. پلیس قضایی با پوشیدن این لباس احساس تعهد بیشتری در رعایت قانون در برخورد با مردم دارد و قانون و اوامر قانونی مافوق را مدنظر قرار می‌دهد. پلیس قضایی در این شرایط بی‌طرفی خود را حفظ می‌کند و در اکثر موارد در مواجهه با مردم رفتار دوستانه را در پیش می‌گیرد. در این شرایط ضابط دادگستری بر کردار خود متمرکز است. این ظرفیت ناشی از لباس دوربین‌دار است که به مردم نیز اطمینان داده است که پلیس قضایی از قدرت و اختیارات خود در مواجهه با آنها و موقعیت‌های پیش‌رو سوءاستفاده نمی‌کند. کما اینکه سابق بر این نیز چنین شرایطی برای شهروندان ایالات متحده محتمل بوده است (Koen, Willis and Mastrofski, 2018: 979) و از موجبات ترویج حس بی‌اعتمادی به پلیس ایالات متحده و عملکرد وی شده است. این در حالی است که پلیس به مشارکت عمومی و اجتماعی مردم برای تحقق مأموریت‌های خود نیازمند است. از یک طرف، پلیس قضایی در این شرایط حداکثر احتیاط در برخورد و گفتار با مردم را رعایت می‌کند، از خشونت فیزیکی یا گفتاری و حتی از بالا بردن تَن صدای خود در مواقع غیرضروری پرهیز می‌کند و بیش از همه به انجام وظایف قانونی حسب شرح وظایف متمرکز می‌شود. این وضعیت به اعتقاد برخی شرایط را برای نقش‌آفرینی شهروندان در فرایند تحقیقات مقدماتی مهیا می‌کند (نوروزی، جوان‌جعفری و سیدزاده‌ثانی، ۱۳۹۶: ۳۳).

۱-۱- تقویت روابط حرفه‌ای پلیس قضایی با مردم، متهم و مظنون

پلیس قضایی پس از پوشیدن لباس دوربین‌دار اشراف دارد که عملکرد و صدای او در حالت ضبط است و او برای هر عمل یا گفتاری باید توجیه قانونی داشته باشد، وگرنه پرهیز از آن برای وی هزینه کمتری دربردارد. البته لزوم ارتقاء این نحوه از عملکرد پلیس قضایی یا احراز قانونی بودن یا قانونی نبودن آن نیازمند تغییر در نگرش مردم نسبت به پلیس قضایی و شرح وظایف وی نیست. چراکه پلیس قضایی و رفتار وی قبل از اینکه در معرض نظارت و قضاوت مردم باشد، در معرض نظارت و قضاوت مافوق است. بنابراین پلیس حسب شرح وظایف به انجام مأموریت می‌پردازد، منصرف از اینکه مردم نسبت به وی چه قضاوت یا



برداشتی از رفتار وی داشته باشند. پلیس قضایی بیش از اینکه به قضاوت مردم بیانديشده به شرح وظایف قانونی در موقعیت پیش‌رو می‌پردازد. البته مردم نیز به مرور زمان تحت چنین شرایطی به ضابط دادگستری و مقبولیت رفتارهای وی اعتماد می‌کنند، چراکه او را قبل از اینکه در مقابل خود ببینند، در مقابل مافوق و اوامر قانونی وی می‌بینند. در عین حال که اطمینان دارند پلیس قضایی تحت شرایطی که اقدامات او از طریق دوربین لباس تحت کنترل است، بنابراین او تخلف نمی‌کند و اگر هم تخلف کند با توجه به فیلم ضبط‌شده سریع و حتمی تحت تعقیب و مجازات قرار می‌گیرد. این موقعیتی است که سابق بر این بدین راحتی وجود نداشته است.

از طرف دیگر، صوت و فیلم ضبط‌شده از طریق لباس دوربین‌دار به‌مثابه مستندی از عملکرد لحظه‌ای پلیس قضایی است که امکان دخل و تصرف در آن وجود ندارد. این فیلم حاصل‌آمده از این طریق، تصویر دقیقی از عملکرد پلیس قضایی در رعایت الزامات حریم خصوصی متهم و واکنش متهم و موضع‌گیری ضابط دادگستری در قبال آن را به مافوق یا دادستان ارائه می‌دهد. این فیلم به‌طور واضح نشان می‌دهد که تشریفات قانونی و شرعی در تعقیب و دستگیری متهم تا چه میزان از سوی پلیس قضایی رعایت شده است یا مورد غفلت وی قرار گرفته است. این وضعیت در عین حال موید ارزیابی دقیق از آموزش‌هایی است که در این ارتباط به پلیس قضایی داده شده است و پلیس قضایی در تصور از خود معتقد است که آنها را فراگرفته است و به آنها عمل کرده است، در حالی که بازبینی فیلم برای مقام مافوق وی اثبات می‌کند که ضابط دادگستری آموزش‌ها را فراگرفته است یا تصور اشتباهی از اجرای آموخته‌های خویش دارد یا اینکه علی‌رغم فراگیری آموزش‌ها و قرار گرفتن وی در موقعیتی که از این آموخته‌ها باید استفاده می‌کرده است، لیکن از آنها در موقعیت مرتبط استفاده نکرده است. نظارت مافوق بر عملکرد ضابط دادگستری در شرایط معمولی فقط متکی به مواردی است که مافوق در ماموریت‌ها شخصاً حضور دارد و هدایت ماموریت‌ها را برعهده دارد که این شرایط در اکثر موارد مفقود است. این وضعیت با عدم اشراف مافوق به تمام رفتارهای احتمالی ضابط دادگستری با مردم در ماموریت‌های انفرادی یا همراهی با افسر دارای رتبه پایین‌تر از ضابط دادگستری دارای ماموریت خاص تشدید می‌شود.

افسر دارای رتبه پایین‌تر از پلیس قضایی دارای ماموریت معمولاً عملکرد وی که به نوعی مافوق آنها می‌باشد را زیرسوال نمی‌برند و گزارش آن را به مقام مافوق وی نمی‌دهند. لذا پیگیری این موارد از سوی مافوق فقط با مرور و بازبینی فیلم‌های ضبط‌شده از عملکرد پلیس قضایی برای قضاوت راجع به ضعف یا بهبود یک یا چند عملکرد خاص وی در موقعیت‌های خاص محقق است. مافوق با در نظر گرفتن عملکرد



زیر دست در چنین شرایطی به اشتباهات پلیس قضایی پی می‌برد و آموزش‌های لازم را برای اصلاح یا تقویت آنها تجویز می‌کند یا اینکه دستورات لازم را برای تنبیه به یگان وی یا مجازات وی از طریق معمول یعنی معرفی به دادسرای نظامی یا عمومی حسب شرایط صادر می‌نماید. این تصمیم مستند به فیلم ضبط‌شده و غیرقابل خدشه است و مستقیماً منجر به بازدارندگی یا تغییر وضعیت و بهبود عملکرد پلیس قضایی می‌شود. اطمینان از شناسایی سریع تخلفات احتمالی ضابط دادگستری مجهز به لباس دوربین‌دار و تعقیب و مجازات وی باعث می‌شود که او از ارتکاب تخلفات و جرایم مرتبط با وظایف محوله صرف‌نظر کند. چه‌بسا برخی از رفتارهای پلیس قضایی خاطی ناشی از عدم التفات به شرح وظایف و دقت نکردن در اجرای آنها به اعتقاد برخی مثلاً در نحوه بازرسی تلفن همراه متهم یا دیگر جوانب حریم خصوصی وی باشد (صالحی، ۱۳۹۶: ۲۲۷). در چنین شرایطی نیز اطمینان از نظارت و کنترل مستقیم وی از سوی مافوق باعث می‌شود که او رفتار خود را تغییر و با شرح وظایف قانونی و سازمانی بیشتر و دقیق‌تر منطبق نماید.

۱-۲- تقویت ارزیابی مافوق از عملکرد پلیس در ماموریت‌های محوله

عملکرد پلیس قضایی از طریق پوشیدن لباس دوربین‌دار و به‌نحو موثرتری ارتقاء می‌یابد و نقایص احتمالی آن در کوتاه‌مدت مرتفع می‌شود. آموزش‌های حرفه‌ای در چنین شرایطی نسبت به ماموران شناسایی‌شده از این طریق تقویت و از آموزش مجدد نسبت به مامورین دارای مقبولیت از این حیث جلوگیری می‌شود. چه‌بسا بر اساس سوابق به‌دست‌آمده از این طریق، آموزش‌های متفاوت هر یک از پلیس قضایی توجیه و پیگیری و نتایج احتمالی آنها نیز در ماموریت‌های بعدی دنبال و نقاط ضعف و قوت آنها امتیازدهی و رتبه‌بندی شود. اهمیت این وضعیت در ماموریت‌های حساس و مخاطره‌آمیز برای حفظ امنیت و جان پلیس قضایی دوچندان است. بررسی فیلم‌های ضبط‌شده از ماموریت‌های محوله به پلیس قضایی میزان توانایی و استفاده از آموخته‌ها را در موقعیت‌های خطیر نشان می‌دهد. اینکه ضابط دادگستری چقدر قدرت و توانایی بهره‌گیری از آموخته‌ها را در موقعیت‌های عملی واقعی دارد، باعث تجدیدنظر مافوق در وضعیت وی و لزوم تکرار آموزش‌ها برای وی یا برخورداری از آموزش‌های ویژه برای ماموریت‌های حساس‌تر و خطرناک‌تر می‌شود. حال آن‌که این وضعیت در صورت فقدان لباس دوربین‌دار منتفی و متکی به سازوکارهای دیگر از جمله؛ تبحر کسب شده در طول سالیان متمادی خدمت مافوق و برخورد با موارد مشابه حسب گزارش و شکایات مردمی یا گزارش و ارزیابی محسوس و غیرمحسوس دیگر همکاران پلیس است که در اکثر موارد اتکای مافوق به آنها قطعی و متیقن نیست.



این وضعیت در رابطه با انجام مأموریت واحد محوله به‌نحو مکرر در طول دوره خدمت نیز تشدید می‌شود یا این تصور که انجام مقدمات یا بدیهیات آن برای موارد مشابه دیگر ضروری نیست. در حالی که تکرار یک مأموریت از سوی ضابط دادگستری از موجبات انتفاء تمام مقدمات قانونی آن در سایر مأموریت‌های مشابه نیست. شرایط تعقیب و دستگیری متهم مسلح یا تیراندازی به وی برای خلع سلاح وی یا تعقیب متهم غیرمسلح با تیراندازی برای متوقف کردن وی در میان جمعیت با شرایط تیراندازی در میان جمعیت به فردی که کمر بند انتحاری به خود بسته است، بسیار متفاوت و تابع شرایط و مقتضیات خاص خود است. هیچ‌کدام از این موارد با یکدیگر قابل مقایسه و رفتار یکسان نیستند. هر یک از این موارد را ضابط دادگستری با شرایط و اقتضائات مرتبط به دیگری نمی‌تواند انجام دهد. اینکه پلیس قضایی با تلقی یکسان از اقتضائات این موارد و به‌نحو یکسان با آنها برخورد کند و رعایت مقدمات هر یک از آنها را ضروری نداند، فقط در شرایط بازنگری فیلم ضبط‌شده میسر و قابل تصمیم‌گیری برای مافوق است. چه‌بسا این تصورات پلیس قضایی از منظر مافوق موید بی‌تجربه‌گی یا فرانگرفتن آموزش‌های تخصصی باشد که پیش از این به او داده شده است، لیکن پلیس قضایی بدون توجه به آنها به انجام مأموریت‌ها می‌پردازد. از این رو به تشخیص مافوق تجدید دوره‌های آموزشی برای وی ضروری است. این وضعیت نمونه‌ای از فراهم آوردن زمینه بهره‌گیری از مشارکت مردم و سرمایه اجتماعی پلیس است که نیازمند ایجاد زمینه‌های اجتماعی لازم در تشکیلات پلیس برای مشارکت و جلب اعتماد مردم است. به نظر می‌رسد که استفاده از لباس دوربین‌دار و مزایای آن به شرح پیش‌گفته می‌تواند موجب دست‌آورد مذکور شود.

۲- تاثیر لباس دوربین‌دار در نظارت دادستان بر عملکرد پلیس

بخشی از ارتباط پلیس قضایی در مقام ضابط دادگستری در راستای انجام وظایف با متهم در دستگاه عدالت کیفری و در فرایند تحقیقات اولیه پلیسی و تحقیقات مقدماتی است. چنان‌که اقدامات پلیس در جرایم شدید و مشهور حسب رویه پلیسی و ضرورت تنظیم گزارش اولیه برای استحضار دادستان و توجیه دستورات لازم، قبل از اطلاع و دستورات دادستان به پلیس است. هرچند که گزارش‌های تنظیم شده از سوی ضابط دادگستری برای دادستان پس از انجام وظایف محوله و دستورات مستقیم وی در اکثر موارد نسبت به متهم است. بنابراین انجام وظایف ضابط دادگستری در ارتباط مستقیم با حقوق متهم برابر قانون آیین دادرسی کیفری است. این در حالی است که تضمین رعایت حقوق متهم متکی به حاکمیت قانون و تشکیلات پلیسی و قضایی کارآمد است. کمااینکه به اعتقاد برخی حفظ کرامت، ارزش‌های والای انسانی، احترام به آزادی‌های



مشروع، حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی در گرو اقدامات صحیح و عادلانه ضابطان دادگستری به عنوان بخشی از دستگاه عدالت قضایی است (پوراابراهیم و یزدان‌شناس، ۱۳۹۵: ۶۶).

استفاده از لباس دوربین‌دار، به عنوان ابزاری است ضابط دادگستری را به رعایت دقیق مقررات مجاب می‌کند، چراکه عملکرد مضبوط وی تحت نظارت و ارزیابی مستقیم دادستان است. در این شرایط چه‌بسا توجیه نامتعارف ضابط دادگستری راجع به هر یک از ابعاد عملکرد وی منجر به مرتفع شدن مسئولیت کیفری وی نمی‌شود. این در حالی است که این موقعیت در گزارش‌های مکتوب ضابط دادگستری مفقود است. گزارش ضابط دادگستری پس از انجام ماموریت بر اساس تصورات ذهنی ایشان از ماموریت و عملکرد خویش به بهترین نحو و رضایت‌بخش تنظیم می‌شود. این گزارش تنظیم شده پس از موقعیت با ابعاد صورت‌گرفته در واقعیت به‌سختی قابل تطبیق و در اکثر موارد منتهی به نتایج مبهم و غیرقابل اتکاء برای اقناع وجدانی دادستان یا مقام قضایی است. ابهامات احتمالی گزارش با گزارش‌های بعدی ضابط دادگستری یا توضیحات قابل تفسیر وی مرتفع می‌شود، در حالی‌که توضیحات وی علی‌رغم صداقت چه‌بسا تصویر دقیقی از موقعیت حادثه ارائه نمی‌کند یا باعث شبهات بیشتری برای دادستان می‌شود.

۲-۱- مستندسازی عملکرد پلیس از طریق پوشیدن لباس دوربین‌دار

ضابط دادگستری با وقوف به ضبط صوت و فیلم عملکرد وی در مواجهه با مسائل دقت بیشتری به‌عمل می‌آورد و بر اساس مقررات قانونی هر یک از رفتارهای خود را به پیش می‌برد، تا اینکه بعدها برای بازخواست آنها مستند و توجیهی داشته باشد. به‌عنوان نمونه، تفهیم حقوق متهم به وی بخشی از وظایف ضابط دادگستری است که در حین تحقیقات مقدماتی راجع به جرم متسبب به متهم موضوعیت دارد. به اعتقاد برخی تحقق دادرسی عادلانه نیز مستلزم تفهیم حقوق متهم از سوی ضابط دادگستری است (قاسمی‌مقدم، ۱۳۹۴: ۱۲۹). این بدان معنا است که ضابط دادگستری پس از پوشیدن لباس دوربین‌دار از انجام اقدامات یا ترک آنها نسبت به متهم پرهیز می‌کند که هیچ توجیه و مستندی برای آنها وجود ندارد. این وضعیت به‌مثابه پیشگیری از اقدامات فراقانونی است که فقط در شرایط ضبط صوت و فیلم عملکرد پلیس از طریق استفاده از لباس دوربین‌دار ایجاد می‌شود. ضابط دادگستری در موقعیت‌های خطیری که ممکن است وضعیت‌های غیرقابل پیش‌بینی وجود داشته باشد، حداکثر احتیاط را به‌عمل می‌آورد و از این طریق به حفظ جان و امنیت خویش و شهروندان حاضر در موقعیت تعقیب و گریز متهم می‌اندیشد. این وضعیت برای دادستان نیز واجد اهمیت است. چراکه دادستان نیز با مرور مکرر فیلم‌های ضبط‌شده از ماموریت‌های سابق



ضابط دادگستری نیز جوانب را ارزیابی و لزوم فراگیری آموزش‌ها و یا واگذاری تکالیف و اختیارات لازم حسب مقررات قانون آیین دادرسی کیفری به وی را صادر می‌نماید.

لذا دستورات دادستان ضمن آموزش‌های لازم آن با تصور اینکه ضابط دادگستری از این آموزش‌ها در موقعیت عملیاتی استفاده می‌کند، تنها با بازنگری فیلم ضبط‌شده از طریق لباس دوربین‌دار تایید یا رد می‌شود. رد این مفروضات موجب ضرورت تکرار مجدد آموزش‌های لازم به ضابط قضایی می‌شود. در عین حال که وقوف دادستان به چالش‌های اجرایی دستورات و صرف زمان برای اجرای هر یک از این دستورات یا تعارض احتمالی هر یک از آنها با مقتضیات مأموریت محوله به پلیس یا ضرورت چشم پوشی پلیس از هر یک از آنها برای حفظ امنیت و جان خود فقط از این طریق حاصل و منشاء اثر در تصمیمات آتی یا واگذاری مأموریت به پلیس با تجربه یا توانایی‌های بیشتر می‌شود. کماینکه برخی معتقدند که اجرای صحیح و کامل قانون آیین دادرسی کیفری، به جهت عدم توجه به ساختار پلیس، سیستم مدیریتی ناهمگون و عدم پیش‌بینی زیرساخت‌های لازم برای ضابطان دادگستری، در عمل با مشکلاتی مواجه است. از این حیث استفاده از لباس دوربین‌دار زمینه را برای شناخت بخشی از این چالش‌ها و مدیریت آنها در زمان مأموریت‌های محوله به ضابط دادگستری مرتفع می‌کند. در حالی که این موقعیت از گزارش‌های مکتوب پلیس به‌سختی و در طول زمان و حسب شناخت از شخصیت و توانایی پلیس حاصل می‌شود و همیشه با مقداری شک و تردید توأم است و به سادگی استنباط از فیلم ضبط شده از لباس دوربین‌دار میسر نیست.

۲-۲- رسیدگی به شکایات بر اساس فیلم‌های ضبط‌شده از طریق لباس دوربین‌دار

عملکرد پلیس و رسیدگی دقیق به شکایات مردم علیه وی نیز تحت تاثیر مستقیم لباس دوربین‌دار می‌باشد. این وضعیت در عین حال برای مردم نیز در طرح شکایات با فرض آگاهی به وجود دوربین در لباس پلیس و ضبط شدن تمام عملکرد پلیس و اقدامات متقابل آنها نسبت به پلیس موثر و کارآمد است. عمده شکایات نسبت به عملکرد پلیس در هنگام انجام مأموریت‌های محوله راجع به عدم رعایت مقررات احضار، دستگیری و بازداشت متهم یا عدم رعایت مقررات قانونی در ورود به اقامتگاه متهم یا اعمال خشونت کلامی یا فیزیکی نسبت به متهم و اطرافیان وی است. در فرض فقدان فیلم ضبط شده در عملکرد پلیس، تصمیم‌گیری در ارتباط با شکایات مطرح با دشواری مواجه است و نیازمند دلایل و مستندات غیر از شکایت صرف یا دفاعیات پلیس در مقابل آن است. منصرف از اینکه در اکثر موارد هم رسیدگی به آنها منجر به قطع و یقین قضایی نمی‌شود. گاهی این وضعیت به نفع ضابط دادگستری است. اغلب شکایات مردم علیه ضابط



دادگستری، فاقد مستند و دلیل اثباتی است به نحوی که رسیدگی به آنها شروع نمی‌شود یا اینکه در مراحل اولیه مسترد می‌شود یا خاتمه می‌یابد. در عین حال برخی از شکایات علیه پلیس ناشی از تصورات اشتباه مردم از عملکرد قانونی وی است.

برخی اوقات تصور می‌شود که اعمال خشونت پلیس نسبت به متهمی که تسلیم اوامر قانونی پلیس نیست و با دعوت پلیس از وی برای عزیمت به کلانتری همراهی نمی‌کند، ناشی از اعمال سلیقه یا خشونت‌طلبی پلیس است. در حالی که این تصور اشتباه است. اقدامات قانونی پلیس با رعایت سلسله مراتب قانونی از احضار ساده شروع می‌شود و تا توسل به زور برای دستگیری و توقیف متهم ادامه می‌یابد. حال در چنین شرایطی که استفاده پلیس از لباس دوربین‌دار موضوعیت ندارد تصور مردم این است که اقدامات خشونت‌آمیز پلیس فراقانونی و حسب تمایلات شخصی است. لیکن در شرایط وجود لباس دوربین‌دار برای مردم نیز چنین شائبه‌هایی از بین می‌رود، وقتی که متوجه هستند که عملکرد پلیس ضبط می‌شود و از این طریق مورد پیگیری است، لذا این اقدامات خشونت‌آمیز وی در این شرایط به احتمال زیاد حسب اختیارات قانونی و محوله به وی است. در چنین شرایطی است که عملکرد پلیس به میزان بیشتری مقبولیت پیدا می‌کند. در نتیجه آن شکایات علیه پلیس با کاهش مواجه می‌شود یا اینکه منجر به اقناع شاکی در زمان بازیابی فیلم ضبط‌شده از سوی مافوق و تشریح ابعاد آن برای وی و در نهایت استرداد شکایت علیه پلیس می‌شود که ناشی از استفاده پلیس از لباس دوربین‌دار است.

۳- تاثیر لباس دوربین‌دار بر بهبود تنظیم گزارش‌های پلیس قضایی

ضابط دادگستری، بازوی اجرایی دستگاه عدالت کیفری است و در فرایند کیفری دارای نقش اساسی است. سنگ بنای پرونده کیفری در مرحله کشف جرم توسط ضابط دادگستری گذاشته می‌شود. ضابط دادگستری در این مرحله، نقش مهمی در تامین یا عدم تامین حقوق شهروندی افراد دارد (ساریخانی، ۱۳۹۷: ۱۸۱). بر این اساس تنظیم گزارش قضایی از سوی ضابط دادگستری در تصمیم مقام قضایی تاثیر مستقیم دارد. لیکن برخی اوقات این گزارش‌ها واجد اطلاعات دقیق و همه‌جانبه نیستند. این در حالی است که صوت و فیلم ضبط‌شده از طریق لباس دوربین‌دار، جایگزین مطمئنی برای گزارش‌های تنظیمی از سوی ضابط دادگستری است که در برخی موارد با کاستی‌ها و افزودنی‌هایی مواجه است که منجر به کشف جرم و حقایق آن نمی‌شود. استفاده از فیلم ضبط شده از طریق لباس دوربین‌دار در ارتباط با شکایاتی که علیه پلیس در مقام ضابط دادگستری صورت می‌گیرد یا وضعیت‌هایی که در آنها لزوم تعیین میزان مسئولیت پلیس یا



شهروند مورد تعرض وی برای مقام قضایی ضروری است، بیشتر از گزارش‌های تنظیمی از سوی پلیس تامین‌کننده منافع فردی و اجتماعی است. منصرف از اینکه ضابط دادگستری در تنظیم گزارش به القاء مطالبی می‌پردازد که از منظر وی واجد اهمیت است و از اشاره به موضوعاتی صرف‌نظر می‌کند که از منظر وی واجد اهمیت نیست. این در حالی است که چه‌بسا برای مقام قضایی این وضعیت معکوس یا اینکه نتیجه‌گیری برای وی با در نظر گرفتن مجموع وقایع مهم و غیرمهم واجد اهمیت و استنباط قضایی است. این وضعیت با ذی‌نفع بودن ضابط دادگستری در موقعیت ایجادشده و لزوم تبریئه خودش یا حفظ بی‌طرفی خویش تشدید می‌شود. ضابط دادگستری برای اینکه نشان دهد در چارچوب مقررات و وظایف محوله به انجام مأموریت پرداخته است، چه‌بسا گزارش را به نحوی تنظیم کند که واجد این مسائل و موجد مسئولیت مدنی و کیفری وی باشد، در حالی که واقعیت چیزی دیگر است.

البته بخشی از کاستی‌های گزارش ضابط دادگستری ناشی از عدم آشنایی کافی وی به قوانین و مقررات ماهوی و شکلی است. لیکن اگر مستند گزارش مکتوب ضابط دادگستری، صوت و فیلم ضبط شده از طریق لباس دوربین‌دار ضابط دادگستری باشد، تطبیق گزارش با صوت و فیلم ضبط‌شده برای مقام قضایی و استنباط قضایی به دور از شائبه جانبداری ضابط دادگستری از خودش به‌هنگام تنظیم گزارش برای ارائه به مقام قضایی محفوظ است، ولو اینکه ناشی از عدم آشنایی کافی ضابط دادگستری با قوانین ماهوی و شکلی باشد. همین وضعیت برای مقامات قضایی در مراحل بالاتر رسیدگی به شکایات مطرح علیه ضابط دادگستری نیز وجود دارد. درک و برداشت مستقیم مقام قضایی از صوت و فیلم ضبط‌شده از طریق لباس دوربین‌دار موجب تصمیم‌گیری منصفانه و واقع‌بینانه راجع به ضابط دادگستری و عملکرد سازمانی وی یا شهروند مقابل وی می‌شود. چه‌بسا بخشی از عملکرد ضابط دادگستری ناشی از سیاست‌های سازمانی و امکانات در اختیار وی باشد، در حالی که اشاره مستقیم به این مسائل در گزارش‌های تنظیمی ضابط دادگستری به دلیل بدیهی بودن آنها مفقود است. در حالی که تصمیم‌گیری مقام قضایی بر اساس تمام آنها واجد اهمیت است. رعایت موازین قانونی و شرعی یا چشم‌پوشی از آنها در زمان ورود به محل اختفاء متهم یا نحوه دستگیری و بازداشت وی و تبعات پس از آن مانند؛ فرار متهم، زخمی شدن متهم یا زخمی شدن ضابط دادگستری و واکنش‌های متقابل در چارچوب قانون یا عدول از آنها نمونه‌هایی عینی هستند که قضاوت راجع به آنها به‌صرف گزارش مکتوب ضابط دادگستری دشوار است.

در این شرایط، صوت و فیلم ضبط‌شده از طریق لباس دوربین‌دار و امکان بازبینی مکرر آن و خواستن توضیح از ضابط دادگستری یا شهروند راجع به یک از اقدامات یا صحبت‌های صورت‌گرفته طرفین و یا



جلب نظر کارشناسان متخصص یا مقامات مافوق پلیس خاطی حائز اهمیت و تعیین‌کننده در تصمیم قضایی است. صورت و فیلم ضبط‌شده از منابع مستقیم و دست‌اول تلقی می‌شود که تفسیر و نتیجه‌گیری از آن نیازی به در نظر گرفتن هیچ سابقه‌ای از ضابط دادگستری، شاکی یا متهم ندارد. حال آن‌که در تفسیر گزارش‌های مکتوب ضابط دادگستری معمولاً سوابق نیک و بد ضابط دادگستری، شاکی یا متهم نزد مقام قضایی در نظر گرفته می‌شوند و با در نظر گرفتن این سوابق به گزارش اهمیت داده می‌شود یا اینکه از آن چشم‌پوشی می‌شود. اهمیت به این گزارش‌ها لزوماً منطبق با وقایع صورت گرفته نیستند، لیکن چشم‌پوشی از این گزارش‌ها موجب دوباره‌کاری و تکرار فرایند تحقیقات مقدماتی از سوی مقام قضایی و اتلاف وقت وی راجع به موضوعی می‌شود که یکبار تحقیقات آن از سوی ضابط دادگستری انجام شده است، لیکن به دلایل خاص به این اقدامات و گزارش‌های مبتنی بر آن توجهی نمی‌شود. البته تحقیقات مجدد مقام قضایی نیز متکی به اظهارات ضابط قضایی، شاکی و متهم است و از این حیث چیزی به نفع عدالت کیفری تغییر نمی‌کند. این در حالی است که وجود صوت و فیلم ضبط‌شده چه‌بسا این اشکالات را برطرف کند و موجب افزایش بهره‌وری پلیسی و قضایی و تحقق عدالت کیفری شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه‌گیری

تکنولوژی لباس دوربین‌دار و استفاده از آن برای قضاوت صحیح از عملکرد پلیس قضایی در موقعیت‌های خاص ضروری است. موقعیت‌های خطیری وجود دارند که نسبت به آنها ادعایی غیرمتعارف وجود دارد که حاکی از نقض احتمالی قانون از سوی پلیس قضایی نسبت به مردم است. این وضعیت در ارتباط با وظایف پلیس قضایی در مقام ضابط دادگستری در ایران برای پیشگیری از وقوع جرم و مبارزه با جرایم مشهود رسماً و غیرمشهود با حکم قضایی امری مبتلاء به است. وابستگی پلیس قضایی به مردم و مردم به پلیس قضایی بدین خاطر است که عملکرد پلیس قضایی بدون همکاری و حمایت مردم در پیشگیری و مبارزه با جرم ناکارآمد است. بر این اساس همکاری با پلیس و حمایت جامعه از عملکرد وی در گرو اعتماد به پلیس و رضایت از عملکرد وی است. یکی از ابزارهای جدید زمینه‌ساز شفافیت و بهبود عملکرد پلیس قضایی در ایران نسبت به مردم، مافوق و دادستان استفاده از تکنولوژی لباس دوربین‌دار است.

استفاده پلیس از لباس دوربین‌دار نوعی مستند کردن عملکرد وی است. بر این اساس تمام لحظات عملکرد پلیس در ماموریت‌های محوله به وی ضبط می‌شود و به هر ادعایی برخلاف آن به صورت عینی و تطبیقی رسیدگی می‌شود. این وضعیت منجر به اعتماد بیشتر به عملکرد پلیس می‌شود. بازبینی این فیلم‌ها پس از طرح شکایت علیه مامور باعث کشف حقیقت و اثبات صحت و سقم ادعاهای مطروح علیه مامور می‌شود. ارزیابی مستقیم مافوق بر عملکرد مامور نیروی انتظامی از طریق کنترل فیلم‌های ضبط شده از برخورد ضابط دادگستری با مردم و تصمیم‌گیری دقیق بر اساس آنها واجد چنان ارزشی است که از هیچ طریق دیگر مگر به‌جز همراهی مافوق در تمام مواقع با مامور زیردست بدین نحو قابل دست‌یابی نیست. استفاده از فیلم‌های ضبط شده از طریق لباس دوربین‌دار پلیس برای چنین اهدافی از مزیت‌های فوق‌العاده و غیرقابل دسترس در شرایط فقدان به‌کارگیری این لباس‌ها است که تا پیش از این موضوعیت نداشته است.

این وضعیت در ارتباط با نظارت دادستان بر عملکرد ضابط دادگستری نیز صادق است. دادستان حسب دستوراتی که برای اجراء به ضابط دادگستری صادر می‌نماید توقع دارد که این دستورات در اسرع وقت اجرایی شوند و نتایج حاصل از آن اعلام شوند. حال آن که اجرای این دستورات واجد فرایندی است که دادستان از وجود آنها به نحو واقعی مطلع نیست. کم و کاستی‌هایی در اجرای دستورات از سوی ضابط دادگستری وجود دارند که بجز از طریق شکایات مردمی یا گزارش‌های موازی به اطلاع دادستان نمی‌رسد. البته وصول شکایات مردمی و یا گزارش‌های موازی با انکار شدید ضابط دادگستری مواجه می‌شوند و



معمولاً به نتیجه دقیقی نمی‌رسند. به نظر می‌رسد استفاده از ابزار لباس دوربین‌دار بخشی از این اشکالات را مرتفع می‌کند.

لباس دوربین‌دار در بهبود تنظیم گزارش‌های ضابط دادگستری برای مقام قضایی نیز مثرتر است. تنظیم گزارش‌های ماموریت‌های محوله به ضابط دادگستری که با فاصله زمانی پس از ماموریت تنظیم می‌شوند با مقدمات و موخراتی توأم هستند که در برخی موارد برآمده از تصورات ضابط دادگستری از خود و توانایی‌هایی مورد انتظار از وی است. در حالی که کمترین انطباق با واقعیت و حوادث را دارند. ادعاهای متضاد شاکی یا متهم در این ارتباط نزد مقام قضایی پس از تقدیم گزارش تا حدودی گویای این وضعیت است. از این حیث به نظر می‌رسد استفاده از لباس دوربین‌دار منتهی به دقت بیشتر ضابط دادگستری در تنظیم گزارش شود تا جایی که تطبیق گزارش با فیلم ضبط شده واجد تباین آشکار و فاحشی نباشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف: مقالات و نشریات

- پورابراهیم، احمد و سمیرا یزدان‌شناس (۱۳۹۵)، «سازوکار نظارت دادستان بر انجام وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، *فصلنامه کارآگاه*، ش ۳۷، صص ۶۶-۸۰.
- ساریخانی، عادل (۱۳۹۷)، «حقوق شهروندی متهم در تعامل پلیس در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴»، *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، سال ۱۳، ش ۴۹، صص ۲۰۰-۱۸۱.
- صالحی، جواد (۱۳۹۶)، «ممنوعیت بازرسی تلفن همراه و بایسته‌های آن؛ جلوه‌ای از حریم خصوصی متهم در رویه‌ی قضایی و دستاوردهای آن»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ش ۲۱، صص ۲۲۷-۲۵۰.
- قاسمی‌مقدم، حسن (۱۳۹۴)، «تفہیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری: با تاکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال ۶، ش ۲، صص ۱۵۳-۱۲۹.
- نوروزی، محمد؛ عبدالرضا جوان‌جعفری و مهدی سیدزاده‌ثانی (۱۳۹۶)، «نقش‌آفرینی شهروندان در فرایند تحقیقات مقدماتی»، *فصلنامه تعالی حقوق*، سال ۹، ش ۱۸، صص ۶۲-۳۳.

ب: منابع لاتین

- Crow, M. S.; Snyder J. A.; Crichlow V. J. and Smykla J. O. (2017), "Community Perceptions of Police Body-Worn Cameras: The Impact of Views on Fairness, Fear, Performance and Privacy", *Journal of Criminal Justice and Behavior*, Vol. 44, pp. ۵۸۹-۶۱۰.
- Jennings, W. G.; Fridell L. A.; Lynch M.; Jetelina K. K., and Reingle J. M. (2017), "A Quasi-Experimental Evaluation of the Effects of Police Body-Worn Cameras on Response to Resistance in A Large Metropolitan Police Department", *Journal of Deviant Behavior*, Vol. 38(11), pp. 1332-1۳۳۹.
- Koen, C. Marthinus; Willis J. James and Mastrofski, D. Stephen (2018), "The Effects of Body-Worn Cameras on Police Organisation and Practice: A Theory-Based Analysis", *Journal of Policing and Society*, Vol. 29(8), pp. 968-9۸۴.
- Lawshe, L. Nathan; George W. Burruss; Matthew J. Giblin and Schafer A. Joseph (2019), "Behind the Lens: Police Attitudes Toward Body-Worn Cameras



and Organizational Justice”, **Journal of Crime and Justice**, Vol. 42(1), pp.78-97.

- Miethe, D. Terance and et al. (2019), “Public Attitudes About Body-Worn Cameras in Police Work: A National Study of the Sources of Their Contextual Variability”, **Journal of Criminal Justice Review**, Vol. 20(10), pp. 1-2۱.

